

شیواترین زبان برای بیان مفهوم و معنای عشق است. به نظر علیزاده موسیقی ایرانی با این نگاه هیچ کمبودی ندارد و با شناخت خوب ابزار و سنت‌ها و استفاده از ذهن خلاق می‌تواند موسیقی ایرانی را قابل ارائه در جهان کرد. وی نوازنده‌ی خوب را کسی نمی‌داند که ساعت‌ها بنشیند و ساز بنوازد، بلکه چیزی را که اجرا می‌کند باید بتواند تجزیه و تحلیلش کند تا محتوای کارش را بشناسد و همچنین به مسائل اجتماعی و فرهنگی جامعه نیز آگاه باشد. او می‌گوید: انتخاب ابزار متناسب و مختلف برای رنگ‌آمیزی موضوعی است که در جهان حل شده اما، مشکل آن وقتی است که انواع موسیقی را از هم تفکیک نکنیم. به طور مثال کسی نمی‌تواند با ساز غیر ایرانی ردیف میرزا عبدالله را بنوازد تا تعبیر به نوآوری شود. مشکل زمانی است که شخص ملودی می‌نویسد و بعد آن را به صورت فرمولی با موسیقی چند صدایی غربی ترکیب می‌کند. خوب اینها با هم سازگار نیستند چرا که هر کدام عملکرد و سازگاری فرهنگی خودش را دارد.

به نظر علیزاده باید به دنبال هارمونی و چند صدایی موجود در جوهر موسیقی خود بود. می‌توان از هر عاملی برای ترکیب صدا و رنگ‌آمیزی استفاده کرد به شرطی که آن ابزار، اصالت و هویت خاص خودش را داشته باشد.

کتاب گفت و گو با حسین علیزاده درباره موسیقی ایران، حاصل گفت و گویی است با وی در اواخر دهه‌ی چهل و اوایل دهه‌ی پنجاه خورشیدی. وی از جمله کسانی است که اثر عمده‌ای بر جریان فعلی موسیقی ایران داشته و از جمله حلقه‌های میانی زنجیری است که موسیقی دانان قدیم و جدید ایران را به هم پیوند داده است.

علیزاده در پاسخ به این سؤال که آیا سنت‌ها در درون خود متحول می‌شوند، می‌گوید:

بله و به همین دلیل است که می‌توانند حیات پیدا کنند. بحث سنت و تحول که به نظر او سال‌ها در ایران رایج است، امروزه نه در مقابل یکدیگر، که حتی گاه به موازات هم حرکت می‌کنند، مگر آنکه تحول از زاویه‌ی مخرب آن نگاه شده و مفهوم بی‌ریشگی بدهد، و سنت نیز واپس‌گرایی ترجمه شود.

به دیگر بیان، سنت و تحول زمانی اهمیت دارد که پیوند مناسب و درستی میان این دو باشد. هر سنت در ارتباط با تحول به وجود آمده و تداوم می‌یابد، ما از سنت‌ها حرکت می‌کنیم و ریشه‌های ما در آنجاست و حرکتی که ریشه نداشته باشد مفهومی نخواهد داشت. اگر به گذشته فکر می‌کنیم، به معنی

آن نیست که در ذهنمان آینده‌ای رخ نمی‌دهد. چرا که امروز آینده در دست کسانی است که در گذشته زندگی کرده‌اند.

علیزاده در پاسخ پرسش شهرنازدار درباره پیوند ناگسستنی شعر و موسیقی در ایران و تلاش‌های فراوانی که در غرب برای استقلال کلام از موسیقی صورت گرفته تا بتوان به یک بیان تجربیدی و خاص خود دست یافت، و اینکه آیا چنین زمینه‌ای در موسیقی ایران وجود دارد و آیا موسیقی ما نیز می‌تواند بیان تجربیدی خودش را داشته باشد، با تأیید استقلال شعر از موسیقی در غرب اشاره می‌کند که:

می‌توان گفت از زمانی که موسیقی مذهبی و غیر مذهبی از هم جدا می‌شود، موسیقی بدون کلام گسترش می‌یابد. موسیقی مذهبی تحت تأثیر اشعار مذهبی است. ما موسیقی مجرد و مذهبی نداریم، تنها زمانی که اشعار مذهبی و دعاهای مذهبی با موسیقی ترکیب می‌شوند، موسیقی مذهبی ایجاد می‌شود.

به نظر علیزاده، زمانی که موسیقی خود را از کلام جدا می‌کند آزادتر است و جنبه‌های انتزاعی‌اش را جست و جو می‌کند، می‌تواند خیلی انتزاعی باشد و پیام هنری آن نیز دیگر مستقیم نیست و در انتزاع است. شما از یک موسیقی بی‌کلام، به هیچ وجه پیام مشخصی را دریافت نمی‌کنید، پیام موسیقی بی‌کلام گسترده است.

در رابطه با تحول ابزار و ساز برای ارائه موسیقی دستگاهی ایران و لزوم آن، وی می‌نویسد که هر تغییر در فرم، در ابزار نیز به وجود می‌آید. ما از ظرفی که متعلق به قرن‌ها پیش است ایراد نمی‌گیریم و یا به فکر تغییر آن نیستیم که به فرض دسته یا لوله آن اگر گونه‌ای دیگر بود، بهتر می‌شد. اما همین ظرف در موزه به عنوان اثری ارزشمند نگهداری می‌شود. به گفته‌ی او موسیقی از قرن‌های قبل هنوز هم به وسیله‌ی ارکسترهای خاص این موسیقی در همه جای دنیا اجرا می‌شود. نوازندگان حتی موهای مصنوعی می‌گذارند و لباس‌های آن زمان را می‌پوشند و فواصل موسیقی آن دوره را اجرا می‌کنند، و البته نه از روی حدس و گمان.

او ارتباط موسیقی با زندگی روزمره مردم ایران را بسیار نزدیک می‌داند و آن زمانی است که از قید و بندرها باشد و به آن دیکته نشود. بنابراین شکلی کاملاً طبیعی دارد و مورد نیاز انسان نیز می‌باشد. انسان دوست دارد احساساتش را با صدا بیان کند. زبان به همین منظور به وجود آمده و خود یک نوع موسیقی است. منشأ موسیقی از زبان است.



گفت وگوبا حسین علیزاده (درباره موسیقی ایران)

محسن شهرناز دار

نشر نی

حسین علیزاده، متولد ۱۳۳۰، نوازنده‌ای است که شیوه‌ای جدید در موسیقی ایرانی به وجود آورده است. آهنگساز و نوازنده تار و سه‌تار که از مکتب استادان هنرستان و مرکز حفظ و اشاعه‌ی موسیقی، همچون هوشنگ ظریف، علی اکبرخان شهنازی، نورعلی برومند، محمودکریمی و دیگران بهره‌ها برده است. نگرش علیزاده به موسیقی سنتی (ردیف دستگاهی)، نحوه‌ی آموزش درست موسیقی، شیوه‌ی اجرایی خودش و مطالب دیگر از نکات مورد توجه است.

علیزاده نگاهش به موسیقی سنتی ایرانی (ردیف‌ها)، نگاه به تابلویی است از ملودی‌ها و ریتم‌های گوناگون. وی ردیف را در واقع دستور زبان موسیقی ایرانی می‌داند، چرا که با یادگیری یک ردیف معتبر، تمامی روح و جسم آموزش داده می‌شود. به نظر علیزاده، نوازنده باید این دستور زبان را از صافی‌اش عبور داده و چیز تازه‌ای ارائه دهد تا بتوان موسیقی‌هایی متنوع با حس‌های گوناگون را مشاهده کرد.

موسیقی علیزاده ترکیبی است از رنگ‌ها و تصاویر و ذهنیت و الهام. او موسیقی را از چیزی جدا نمی‌داند و می‌خواهد هر آنچه در دنیا حس می‌کند به موسیقی تبدیل کند. ارتباط او به گفته‌ی خودش به زبان موسیقی است. به دیدگاه او مردم صداها را می‌شنوند، اما اهل موسیقی آن صداها را می‌بینند و به همین علت است که صداها متفاوت با رنگ خاص خودش برای او تداعی می‌شود. موسیقی بیان‌کننده‌ی درد است. زبان موسیقی هر قوم

خلق انواع گسترده‌تر ویدیوآرت شده است.

رهایی ویدیو آرت از تنش‌های گیشه‌ای در نمایش یادواره‌ای «ویولا» چیزی نیست جز ابداع و خلاقیت. «تونی اورسler» (Tony Oursler) متولد ۱۹۵۷ نیز برای جان بخشی به اشیا بی‌جان این کار را می‌کند که سرهایی سخنگو را به نمایش درآورده است که مستقیماً با مخاطب خود سخن می‌گویند. اثر او ممکن است تا اندازه‌ای کمیک، نیشدار یا ترسناک باشد زیرا در یکی از کارهایش، گاوهایی در حال سخن گفتن، در یکی از نمایشگاه‌های ویدیو آرت بسیاری از کودکان را به وحشت انداخت. و بالاخره او در یک پروژه‌ی جاه طلبانه‌تر در همان سال با نام «ماشین تأثیر» از «اورسler» (The Influence Machine)، فضای باز میدان «سوهوی» لندن به یک چشم انداز روان پریشانه تبدیل شد، زیرا درختان در حال سخن گفتن بودند و ساختمان‌ها و سرهایی که در انبوهی از دود پدیدار می‌شدند به نمایش درآمدند. ترکیب این عناصر در کنار یکدیگر، تأثیر قدرتمندی را به وجود می‌آورد.

پانوشته‌ها:

1- An Encyclopedic Guide to Modern Art STYLES, SCHOOLS AND MOVEMENTS

by: Amy Dempsey, PUB: Tmes & Hudson, USA, 2002 pp-257-259.

۲) Fluxus: گروه‌های فیلم‌سازی نئودادا در

دهه ۱۹۶۰ که شیوه‌های دیگری همچون فیلم محض (ناب) (Purefilm) و فیلم ساختاری (Structural film) را ایجاد کردند.

۳) رسانه پیام است.

(The medium is the message)

۴) Electronic Arts Intermix (EAI)

تصاویر برگرفته از:

The A-Z of ART,

Nicola Hodge and Libby Anson, 1996

ISBN: 978-1858681627